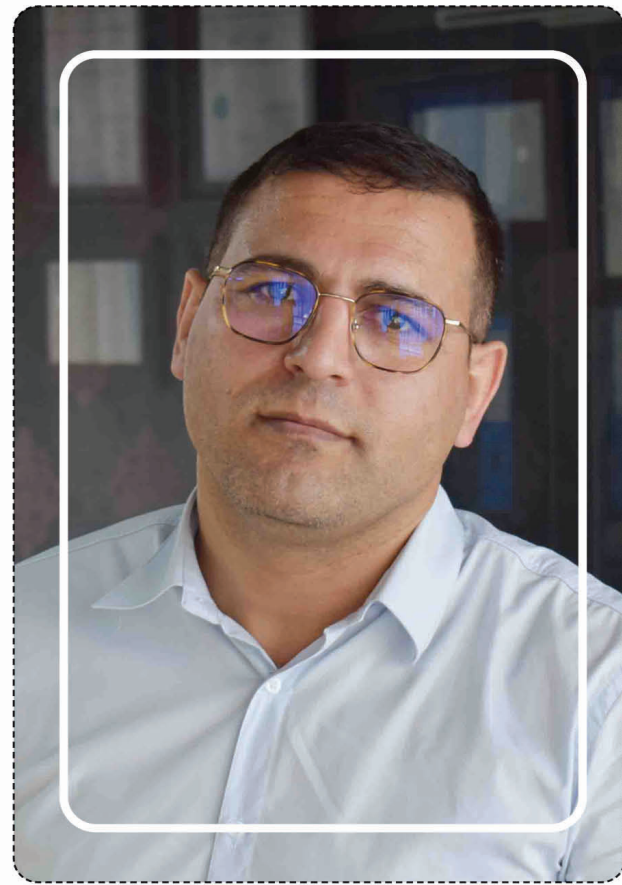


گذری بر زندگینامه یک کارآفرین موفق

مهندس محمد حبشی موسس و مدیر کارخانه آسانسورسازی آپکس اظهار داشت:

از نقطه شروع زندگی تا امروز و در آینده، توکل به خداوند متعال و تلاش و امید، کلید واژه ها و اسرار موفقیت من بوده و مسیر آینده را برایم هموار نموده اند. من یک روستازاده ام و جغرافیایی آمده ام که در آن روح ایمان، صداقت، سختکوشی و صبوری جاری است، آنجا که الفبای یکدلی و یکرنگی را با زبانی ساده آموخته اند. و من در جریان زندگی ام سه آیتم کار و درس و ورزش را به این آموزه ها افزودم و برای هر کدام نهایت وقت و انرژی ام را گذاشتم تا زندگی ام را صیقل بخشم که شاید روزی و روزگاری برای خود، خانواده و جامعه ام فرد مفیدی باشم و از دل تجربه ها و سرمایه هایم به حرفه ای ورود نمایم و سفره ای بگسترانم تا آینده جوان که تصویری از دیروز من است را نیز به همراهی فراخوانم. نه یک جوان که بیشتر و خیلی بیشتر. خداوند را شاکرم که آن روز همین امروز است و کارخانه آسانسورسازی آپکس، همان تولید و اشتغال و کارآفرینی. این پایان راه نیست و به شرط حیات، یک نقطه آغاز است تا از تمام تجربه ها و اندوخته ها فرصت هایی بسازیم برای تحقق هدف ها و نیل به آرزوها، آرزوهایی که نه در خود که در استقلال، خودکفایی و ساختن فردایی روشن برای سرزمینم خلاصه می شود.



جناب مهندس، ضمن تشکر از حضور جنابعالی در این گفتگو، لطفاً خود را معرفی بفرمایید:

بنده محمد حبشی، متولد ۱۳۶۳ در روستای «باش محله» از توابع قوچان هستم

تا چه سنی در روستای محل تولد خود بودید؟ از سال های خیلی دور بگوئید، از دوران کودکی و مشغله های آن، از فضای درس و مدرسه:

تا سوم راهنمایی، در روستای «باش محله» و در زادگاه خودم زندگی کردم، در همان فضای روستا و کوه و دشت بزرگ شدم، همانطور که می دانید فضای روستا به گونه ای است که تمامی افراد، از کوچک تا بزرگ مشغول کار هستند، برای بچه های کوچک هم کار هست. بنده هم در کنار پدر و مادرم به کشاورزی و دامداری مشغول بودم و در کنار دبستان که یک شیفت به مدرسه می رفتم، شیفت دیگر در روستا در کارهای کشاورزی و باغداری و دامداری، کمک حال پدرم بودم. بعد از سوم راهنمایی با معرفی مدیر مدرسه، در آزمون

مدارس نمونه دولتی شرکت کردم در آزمون قبول شدم و از آن سال به بعد به قوچان آمدم و در دبیرستان نمونه «آیت الله خامنه ای» در رشته علوم تجربی، مشغول به تحصیل شدم. سال اول که کنکور دادم در رشته زیست شناسی سلولی، مولکولی دانشگاه شیراز قبول شدم ولی اتفاقی در زندگی من افتاد و

وقت به یک نجاری می رفتم و در آنجا جعبه های چوبی میوه مونتاژ و میخ می کردم. از بس جعبه میخ زده بودم همچنان جای میخ روی انگشت سبابه دستم مانده است. تابستان ها و تعطیلات نوروز، برای اینکه بتوانم هزینه های جانبی مدرسه را فراهم کنم (مایک خانواده پر جمعیت ۱۲ نفره بودیم و کشاورزی

محصولات کشاورزی روستای باش محله:

روستای ما به شکل کوهستانی است و در این مدل روستاها چون سطح شیب دار زیاد است بیشتر کشت به صورت دیم است و درخت زیاد نمی کارند چون در سطح شیب دار نمی توان آبیاری کرد و فقط بعضی درختان مانند بادام کاشته می شود.

۱۳۹۹ در زمینه ی طراحی و مونتاژ و فروش آسانسور فعالیت داشتیم تا اینکه حوزه تامین و تولید آسانسور را از سال ۱۳۹۹ استارت زدیم. چون در عرصه فروش آسانسور، مونتاژ، تعمیر و نگهداری آسانسور فعالیت داشتیم دیدیم که اگر می خواهیم رشد کنیم و حرفی برای گفتن داشته باشیم باید به فضای تولید هم وارد



محمد حبشی از قاب تلویزیون و سایر رسانه ها

چه سالی شرکت آپکس را تاسیس کردید؟

من شرکت آسانسور «آفاق آسان» بر اوج» را در سال ۱۳۹۰ در بجنورد تأسیس کردم و دو سال در آنجا فعالیت کردم و به همان دلیلی که قبلاً توضیح دادم ما دنبال یک فضای بزرگتر بودیم که بتوانیم بزرگتر شویم. برای همین از سال ۱۳۹۰ به مشهد آمدم و تا سال

شویم و این مجموعه را تاسیس کردیم. چشم انداز ۱۵ ساله ما این است که یک آسانسور را صفر تا صد در این مجموعه تولید کنیم و لازمه این کار این است که سالی دو، سه قطعه جدید تولید و به محصولات خود اضافه کنیم و خدا را شکر امروز همینطور شده است و در این مجموعه کابین، درب، شستی، کلید، براکت ... تولید می شود و انشالله

و دامداری داشتیم) سعی می کردم حداقل، جور خودم را بکشم. تابستان و تعطیلات نوروز، به تهران می رفتم و کار می کردم (کارهای مختلف انجام داده ام). قبل از این که به دانشگاه بروم حتی بنایی و کاشی کاری هم می کردم. همزمان گاهی اوقات نیز نیاز بود به روستا بروم و در کارهای کشاورزی و درو کردن گندم و ... کمک کنم.

پدرم بیمار شدند و من به همین خاطر انصراف دادم و با چند سال تاخیر، دوباره در کنکور شرکت کردم و این بار داوطلبانه رشته ی مدیریت بازرگانی پیام نور دانشگاه تهران را انتخاب کردم، چون در کلاس های پیام نور حضور در کلاس اجباری نیست، این فرصت را داشتم که در کنار درس، کار کنم. من در دوران دبیرستان هم به صورت پاره

